

پژوهشی در محوطه‌های گورستانی عصر آهن دامنه‌های سبلان

براساس بررسی میدانی ایل‌راه‌های ایلات شاهسون

پاشا پاشازاده

گروه باستان شناسی، واحد میانه، دانشگاه آزاد اسلامی، میانه، ایران

رضا رضالو (نویسنده مسئول)

reza_rezaloo@yahoo.com

گروه باستان شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

حسین علیزاده

گروه باستان شناسی، واحد میانه، دانشگاه آزاد اسلامی، میانه، ایران

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۱۰/۰۱ تاریخ پذیرش ۱۴۰۰/۱۲/۱۵)

چکیده

دامنه‌های سبلان یکی از مکان‌های ویژه‌ای است که توسط اقوام کوچروی عصر آهنی مورد استفاده قرار گرفته است. این اقوام از مسیرهای مختلفی برای رسیدن به این دامنه‌های سرسبز استفاده می‌کرده‌اند. محوطه‌های گورستانی زیادی در بخش‌های مختلف دامنه‌های سبلان پراکنده شده است. این دامنه‌ها و مسیر ایل‌راه‌هایی که به آنها منتهی می‌گردد و همچنین بیلاق‌هایی که در این دامنه‌ها قرار دارند امروزه توسط ایلات شاهسون استان اردبیل مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این پژوهش با بررسی این ایل‌راه‌ها و محل بیلاق‌های عشایر شاهسون، گورستان‌های عصر آهن قرار گرفته در دامنه‌های غربی و شمالی سبلان مورد مطالعه قرار گرفته و وضعیت قرارگیری محوطه‌ها نسبت به این ایل‌راه‌ها سنجیده شده است. بررسی میدانی در تمامی مسیرها از بستر رودخانه قره سو در بخش شمالی کوه سبلان آغاز شده و به سمت مرتفع‌ترین بخش‌های سبلان ادامه یافته است. تمامی محوطه‌های باستانی قرار گرفته در دو سمت شرقی و غربی این مسیرها و همچنین محوطه‌هایی که در محل بیلاق‌ها و در حد فاصل آنها قرار دارند شناسایی و مطالعه شدند. اغلب محوطه‌ها از نوع گورستان بوده و دارای ساختارهای معماری متفاوتی نسبت به یکدیگر هستند. تعداد ۱۵ ایل‌راه امروزی از ایلات شاهسون در این حوزه شناسایی و مطالعه شد. نتایج بررسی نشان داد که تطابق نسبی بین ایل‌راه‌های امروزی و باستانی عصر آهن وجود دارد و به نظر می‌رسد که اقوام کوچروی عصر آهنی برای رسیدن به دامنه‌های سبلان از همان مسیرهایی استفاده می‌کردند که امروزه ایلات شاهسون از آنها استفاده می‌کنند.

واژگان کلیدی: عصر آهن، محوطه‌های گورستانی، ایلات شاهسون، دامنه‌های شمالی و غربی سبلان.

مقدمه

ایلات شاهسون یکی از مهمترین ایلات کشور و بزرگترین ایل استان اردبیل به شمار می‌آیند. مهمترین مراتع بیلاقی این عشایر کوچرو در دامنه‌های سبلان قرار دارد که هر ساله از بخش‌های جنوبی استان به سمت آن حرکت کرده و نیمی از سال را در آن به صورت فصلی سکونت می‌گزینند. با وجود اینکه امروزه کوچ به صورت پیاده بسیار محدود شده و از وسائل نقلیه استفاده می‌شود، با این حال آثار مسیر و ایل‌راه‌هایی که در طی چندین دهه از آن استفاده شده به قوت خود باقی مانده است؛ ایل‌راه‌هایی که به نظر می‌رسد از گذشته‌های بسیار دور به این عشایر به ارث رسیده است و به طور رسمی نام‌هایی که به این مسیرها اطلاق می‌شود با اسامی گروه‌های مختلف عشایر شاهسون پیوند خورده است.

پژوهش حاضر درصدد بررسی این موضوع است که محوطه‌های عصر آهن این حوزه با ایل‌راه‌های ایلات شاهسون چه ارتباطی دارند و این ارتباط در صورت وجود بیانگر چه نکاتی است. اطلاعات ما از محوطه‌های عصر آهن این بخش از مشگین‌شهر بر پایه یکسری کاوش‌هایی است که در تک محوطه‌های گورستانی انجام گرفته است که به لحاظ مسافت با یکدیگر فاصله چندانی ندارند و همگی در اطراف حوضه رود مشگین-چای متمرکز هستند. یک بررسی گسترده لازم بود تا موقعیت محوطه‌ها نسبت به همدیگر سنجیده شود و از سویی دیگر، نقش ایل‌راه‌ها در پراکنش این محوطه‌ها مشخص گردد. به طور مشخص نمی‌توان ایل‌راه‌های باستانی را به طور دقیق تبیین نمود، بدین منظور لازم بود

که از ایل‌های امروزی برای رسیدن به چنین هدفی کمک گرفته شود.

اغلب محوطه‌های حوزه مشگین‌شهر گورستان‌هایی هستند که به لحاظ ساختارهای تدفینی تفاوت چندانی با سایر محوطه‌های عصر آهن ایران ندارند. تفاوت عمده-ای که قابل مشاهده است تراکم بسیار زیاد گورستان‌ها در این حوزه است. فاصله محوطه‌ها از همدیگر بسیار کم بوده که نشانگر کوچروی‌های مداوم و طولانی در این بخش از استان است. تاکنون اطلاعاتی از دامنه‌های سبلان و نقش آن در این جابجایی‌های قومی موجود نبود؛ از اهداف فرعی این پژوهش تعیین نقش دامنه‌های سبلان در حرکت‌های قومی عصر آهن است.

پیشینه‌ی پژوهش

تاکنون پژوهشی در مورد منشأ ایل‌راه‌های باستانی کوه سبلان و یا پراکنش آنها صورت نگرفته است. یکی از پژوهش‌هایی که هم به لحاظ حوزه جغرافیایی و هم از جهت شیوه مطالعه نزدیک به موضوع پژوهش حاضر است، با عنوان «درآمدی بر قوم‌باستان‌شناسی کوچ‌روان قره‌داغ مرکزی آذربایجان» (عسکرپور و همکاران، ۱۳۹۵) انجام گرفته که در آن دلایل تداوم زندگی کوچ‌روی در این منطقه و پیوستگی‌های تاریخی و بوم‌شناختی آن مطالعه شده است. مطالعات مربوط به کوچ‌نشینی و تا حدودی قوم‌باستان‌شناسی را در مناطق مختلف ایران (استان فارس، چهارمحال بختیاری و خراسان) هیئت-های ایرانی و خارجی انجام داده‌اند (ورجاوند، ۱۳۴۴؛ علیزاده، ۱۳۸۷؛ بهاروند، ۱۳۷۸؛ Pullar, 1990; Bates & Lees, 1977; Zagarell, 1975 & 1982; Adams, 1974). در استان ایلام، پدیده‌ی کوچ‌نشینی برای اولین

از اولین مطالعاتی که در این زمینه انجام شده، بررسی - های باستان شناسی شمال بلوچستان است که توسط جودیت ماروچک انجام گرفت. وی از طریق پیگیری مسیر ایل های کوچ نشینان منطقه معاصر بلوچستان به شناسایی و مطالعه استقرارگاه های فصلی گروه های انسانی گذشته پرداختند. (Marucheck, 1976: 272).

مطالعات نسبتاً خوبی راجع به عصر آهن در حوزه مورد پژوهش انجام گرفته است. چارلز برنی در سال ۱۹۷۸ دشت مشگین شهر را مورد بررسی باستان شناختی قرار داد و از وجود ۷۶ محوطه با آثار دوره های مختلف گزارش داد (Burney, 1979: 156). بررسی و کاوش محوطه های باستانی شهریری (هژبری نوبری، ۱۳۸۳؛ پورفرج، ۱۳۸۶)، بررسی قلعه های مرکزی و اقماری مشگین شهر (رضالو و آیرملو، ۱۳۹۳)، کاوش در گورستان خرم آباد مشگین شهر (رضالو، ۱۳۹۱)، کاوش در گورستان قیزیل قیه روستای احمد بیگلوی مشگین شهر (حاجی زاده، ۱۳۹۳)، بررسی حوضه ی رود مشگین چای (آیرملو، ۱۳۹۷) از پژوهش های مهم این حوزه به شمار می رود که بخشی از حوزه مورد مطالعه این پژوهش ها، دقیقاً منطبق با بخشی از حوزه های است که در تحقیق حاضر مورد بررسی میدانی و مطالعه قرار گرفته است.

در مورد ایلات شاهسون نیز چند اثر بسیار شاخص به رشته تحریر در آمده است. ریچارد تاپر در مورد ایلات شاهسون دو اثر بسیار مهم دارد که از دیدگاه مونوگرافی و اتنوگرافی یا قوم نگاری نگاشته شده اند. اولی با عنوان «مراعات و سیاست»^۱ (Tapper, 1979) و

بار توسط هیئت آمریکایی به سرپرستی فرانک هول (1978) در دهلران انجام شد. از دیگر مطالعاتی که پدیده کوچ نشینی را از دیدگاه قوم باستان شناسی مورد بررسی و مطالعه قرار دادند می توان به کرامر (1982)، واتسون (1979)، امان اللهی بهاروند (1975)، مورتسن (1993)، عبدی و همکاران (2003) اشاره نمود که بیشتر حول محور کوچ نشینان و جوامع روستایی این مناطق انجام شده است. از مطالعات دیگر در این زمینه در ایران می توان به پژوهشی با عنوان «قوم باستان شناسی کوچ نشینی و ایل راه های غرب زاگرس مرکزی» (طلایی و همکاران، ۱۳۹۳) اشاره نمود که با تکیه بر پژوهش های باستان - شناسی و انسان شناسی از دوران نوسنگی تا اسلامی و عواملی که در شدت و ضعف آن تأثیر داشته، به بررسی پیشینه اهلی کردن حیوانات، چگونگی شکل گیری جوامع کوچ نشینی و سابقه آن در زاگرس مرکزی پرداخته شده است.

مطالعه ی بارث (1961) روی باصری های استان فارس بیش از همه برای استخراج قواعد سازمان سیاسی - اجتماعی معاصر آنها از منظر «بوم شناسی عام» انجام شده است. همین امر در مطالعه ی قبایل کوچرو و یکجانشین گر نیز صادق است (Black-Michaud, 1974؛ Feilberg, 1952). بختیاری ها (Digard, 1973) و قشقایی ها (Beck, 1978) نیز با نگاهی انسان شناختی مورد مطالعه قرار گرفته اند تا باستان شناختی. مطالعه ی واتسون (1979) روی کوچروها و یکجانشینان کرمانشاه را شاید بتوان جامع ترین مطالعه ی مردم نگارانه در راستای پاسخ گویی به مسائل باستان شناختی دانست. یکی

¹ - Pastures and Politics

پژوهشی در محوطه‌های گورستانی عصر آهن.....

نکاتی که در طی بررسی بدان توجه شده، اندازه محوطه-ها، تصویربرداری از ساختارها، برداشت پلان گورهای باستانی سالم، نوع قبور و ساختار آنها، برداشت آثار سطحی از جمله سفال‌های سطحی و ارائه طرح آنها بوده است. ثبت موقعیت محوطه‌ها با GPS و انتقال نقاط به محیط برنامه GIS و استخراج تحلیل‌های مرتبط با موقعیت، کیفیت و کمیت آنها از دیگر فعالیت‌های ضمن بررسی میدانی بوده است. بخش مهمی از اطلاعات راجع به ایل‌راه‌ها و محل ییلاق‌ها بواسطه مردم محلی و همچنین از خود ایلات شاهسون که در محل حضور داشتند گرفته شده است. بررسی در دو مرحله، یعنی اواخر تابستان تا اواخر پاییز که ایلات از دامنه به سمت قشلاق سرازیر می‌شوند و اواسط بهار تا اوایل تابستان که به سمت دامنه‌ها و ییلاق‌ها حرکت می‌کنند، صورت گرفته است.

حوزه مورد مطالعه

پژوهش حاضر بواسطه انجام یک بررسی گسترده‌ی میدانی در حوزه غربی دشت مشگین‌شهر، دامنه‌های شمال‌غربی، غربی و شمالی کوه سبلان انجام گرفته است. به دلیل وسعت بسیار زیاد دامنه‌های عشایر پذیر سبلان، پژوهش در چند فصل انجام گرفت؛ که در فصل اول حوزه غربی و شمال غربی و در فصل دوم بخش‌های شمالی مورد بررسی میدانی و مطالعه قرار گرفت. در حوزه غربی، ناحیه‌ای که بررسی میدانی در آن صورت گرفته، محدوده‌ای به وسعت ۹۸۰ کیلومتر مربع را شامل می‌شود. این محدوده از جانب شمال به

دومی با عنوان «عشایر مرزدار ایرانی^۲» (Tapper, 1997) انتشار یافته است. کتاب حاضر بر پایه‌ی پژوهش‌های میدانی و تحقیقات مفصل کتابخانه‌ای به بررسی تاریخ سیاسی و اجتماعی یکی از اتحادیه‌های بزرگ ایلی ایران یعنی شاهسون‌های آذربایجان اختصاص دارد. ریچارد تاپر علاوه بر این، چند عنوان مقاله نیز در مورد ایلات شاهسون به چاپ رسانده است (Tapper, 1966; 1974; 1988). اثر دیگری که در این زمینه به سه زبان انگلیسی، ایتالیایی و فارسی انتشار یافته است کتاب «شاهسون» است (صبحی، ۱۳۹۷)، که در آن با نگاهی به ریشه‌های تاریخی ایل شاهسون و بررسی مناطق استقرار آنان، تلاش نموده تا ضمن معرفی دستبافته‌های این مردمان، آداب و رسوم‌شان را نیز مورد توجه قرار دهد. نویسنده تلاش داشته تا با ارائه تصاویر، از کیفیت و مختصات فنی این دستبافته‌ها به مخاطب خود دریافت دقیق‌تری بدهد.

روش پژوهش

گردآوری اطلاعات پژوهش حاضر بواسطه‌ی بررسی میدانی ایل‌راه‌های کنونی ایلات شاهسون در حوزه غربی مشگین‌شهر و دامنه‌های شمالی و شمال‌شرقی سبلان صورت گرفته است. این کار با پیشروی در طول ایل‌راه‌ها و نواحی اطراف آن از شمال به جنوب یعنی به سمت دامنه‌های سبلان انجام گرفته است. در حین بررسی، تا حدی به طرفین این مسیرها پیشروی شده تا عملاً هیچ نقطه کوری در نواحی مورد مطالعه باقی نمانده و کل ناحیه به صورت پیوسته بررسی شده است. مهمترین

²- Frontier Nomads of Iran

است. این کار خطای نتایج و تحلیل‌های مستخرج از آنها را کاهش داده و اثر این انتقاد احتمالی، مبنی بر اینکه صرفاً مسیر هر ایل‌راه بررسی شده و به اطراف توجهی نشده، از بین رفته است.

در حوزه شمالی سبلان، ناحیه‌ای که بررسی میدانی در آن صورت گرفته، محدوده‌ای به وسعت ۲۲۵۰ کیلومتر مربع را شامل می‌شود و در آن ۷ ایل‌راه طولانی و ۳ مسیر کوتاه مربوط به کوچ ایلات شاهسون شناسایی و محوطه‌های عصر آهنی پیرامون آنها مطالعه و از غرب به شرق با شماره‌های ۶ تا ۱۵ نامگذاری شد. این محدوده از جانب شمال، شمال‌غربی و شمال‌شرقی به رودخانه قره‌سو منتهی می‌شود. در این نواحی رودخانه قره‌سو به صورت هلالی محدوده مورد مطالعه را محدود کرده که از جانب شمال‌شرقی از روستای اریاب‌کندی شروع شده، به سمت سد بزرگ سبلان پیشروی کرده و بعد از گذشتن از بخش شمالی روستاهایی مانند پیرازمیان، لمبر، چپقان، قادرلو، کنگرلو، آقدرق و روستای جبدرق، به محدوده بررسی حوزه شمال‌غربی و غربی منتهی شود. رودخانه قره‌سو از بخش شمالی تمامی این روستاها عبور کرده و در نهایت بعد از چند کیلومتر با رودخانه اهرچای پیوند می‌خورد. حوزه مورد بررسی از جانب غرب به بخش غربی شهر مشکین‌شهر، در جایی که ساخت و سازه‌های شهری آغاز شده، و روستاهای قرار گرفته در این بخش از جمله دستگیر، نصیرآباد، پریخان، آقبلاغ، مجنده و عور و مسیر منتهی به دامنه‌های سبلان محدود می‌گردد. بخش جنوبی حوزه مورد مطالعه به دامنه‌های مرتفع شمالی سبلان منتهی می‌گردد. در این بخش بسیاری از ایل‌راه‌ها در دامنه‌های مرتفع به پایان

رودخانه قره‌سو، از جانب شمال‌غربی به محل تلاقی قره‌سو و رودخانه اهرچای و امتداد طولی اهرچای، از جانب غربی، جنوب‌غربی تا متمایل به جنوب به ترتیب به مرز بین مشکین‌شهر با شهرستان‌های اهر، هریس، سراب و شهر مهربان و در نهایت از جانب شرقی و جنوب‌شرقی به دامنه‌های قله مرتفع منتهی می‌گردد. در این حوزه ۵ ایل‌راه شناسایی و مورد مطالعه قرار گرفت؛ برخی از ایل‌راه‌های اصلی و راه‌های فرعی منشعب شده از آنها بعد از اینکه ایلات را به سمت دامنه‌های سبلان می‌رسانند، به سمت مراتع ییلاقی اهر، هریس، سراب و مهربان پیشروی می‌کنند. بسیاری از ایلات شاهسون در گذشته از این مسیرها برای رسیدن به مراتع شرقی استان آذربایجان شرقی استفاده می‌کرده‌اند. در پژوهش حاضر، بررسی میدانی از رودخانه قره‌سو تا حد مرزی میان این شهرها و شهرستان مشکین‌شهر ادامه یافته است. در تمامی ایل‌راه‌های مطالعه شده در این پژوهش، نقطه مبدأ، رودخانه قره‌سو و نقطه مقصد، تمامی ییلاقات حوزه غربی و شمال‌غربی سبلان در محدوده شهرستان مشکین‌شهر و بررسی امتداد مسیر این ایل‌راه‌ها تا انتهای محدوده مرزی این شهرستان بوده است. در این راستا، برای دریافت نتیجه بهتر و قابل استنادتر مبنی بر مقایسه نحوه‌ی پراکنش محوطه‌های عصر آهنی نسبت به ایل-راه‌های کنونی، صرفاً به خط طولی هر ایل‌راه اکتفا نکرده و در امتداد طولی هر مسیر ایل، دامنه بررسی میدانی به سمت طرفین در حدود ۲/۵ تا ۳ کیلومتر گسترش یافته است؛ با این کار در واقع تمام ناحیه‌ای که این ایل‌راه‌ها در آنها قرار گرفته‌اند به طور کامل بررسی و مطالعه شده و نقطه کوری در محدوده مورد پژوهش باقی نمانده

پژوهشی در محوطه‌های گورستانی عصر آهن.....

دشت بودند و هیچ آثاری از این نوع محوطه‌ها در دامنه‌های سبلان دیده نشد (تصویر ۲). در پژوهش حاضر، گورستان‌های این حوزه و انواع قبور آنها مد نظر قرار گرفته و برخی از شاخصه‌های مهم ساختارهای معماری گورهای عصر آهن این حوزه مورد توجه قرار گرفته است.

براساس جدول شماره ۱، بسیاری از محوطه‌های گورستانی قرار گرفته در مسیر ایل‌راه‌ها و محل ییلاق عشایر دارای بیش از یک نوع گور هستند. گورهای پشته خاکی و سنگی معمولاً در تمامی گورستان‌ها حضور دارند؛ از دیدگاه مردمان کوچروی عصر آهنی که از مراتع این نواحی استفاده کرده‌اند بهترین مواد در دسترس برای پوشش قبور و مخفی‌سازی آنها، خاک و قلوه‌سنگ، لاشه‌سنگ و قطعات مختلف سنگی در ابعاد مختلف بوده است. در میان انواع قبوری که در این حوزه در گورستان‌ها شناسایی شد کورگان‌ها و تومولوس‌ها ساختار پیچیده‌تری نسبت به بقیه دارند. با وجود اینکه زمان و هزینه زیادی برای ساخت آنها صرف می‌شده، با این حال، تعداد گورستان‌هایی که دارای چنین قبوری هستند بسیار چشمگیر است. در مسیر و محل ییلاق ایل-راه‌های شماره ۳، ۴ و ۱۰ تمامی انواع گورهای باستان-شناسی ثبت شد. لازم به ذکر است که این مسیر مهمترین و اصلی‌ترین ایل‌راه‌های این حوزه به شمار می‌آیند. به لحاظ تعداد محوطه‌ی گورستانی ایل‌راه شماره ۴ با ۶۲ محوطه و سپس مسیر شماره ۳ با ۴۷ محوطه دارای بیشترین محوطه هستند. تعداد محوطه‌هایی که دارای گورهای کلان‌سنگی هستند نسبت به سایر قبور بسیار اندک است، شاید این موضوع با صرف هزینه‌های زیاد

می‌رسند. غربی‌ترین مسیر یعنی مسیر شماره ۶ در این حوزه پس از عبور از دامنه‌های شمال‌غربی سبلان وارد مراتع ییلاقی استان آذربایجان شرقی می‌شود و انشعابی دیگر از آن، با پیشروی به سمت دامنه‌های جنوب‌غربی سبلان، وارد مراتع ییلاقی شهرستان اردبیل می‌شود. در بخش شمال‌شرقی دامنه‌های مرتفع سبلان، یکی از ایل-راه‌ها یعنی مسیر شماره ۱۰ از دامنه‌های سبلان عبور کرده و به سمت مراتع ییلاقی شهرستان اردبیل و سرعین پیشروی می‌کند. در تمامی ایل‌راه‌های مطالعه شده در این حوزه، نقطه مبدأ، رودخانه قره‌سو و نقطه مقصد، تمامی ییلاقات حوزه شمالی سبلان در محدوده شهرستان مشکین‌شهر و بررسی امتداد مسیر این ایل‌راه‌ها تا انتهای محدوده مرزی این شهرستان بوده است (تصویر ۱). در هر مسیر، دامنه بررسی میدانی به سمت طرفین در حدود ۲/۵ تا ۳ کیلومتر گسترش یافته است. با وجود اینکه هم اکنون از این مسیرها استفاده نمی‌شود و جابجایی‌ها بواسطه وسایل نقلیه انجام می‌گردد، با این وجود آثار تمامی این ایل‌راه‌ها و حتی عناوین قدیمی آنها حفظ شده است.

یافته‌های پژوهش

به طور کلی در طول این ۱۵ ایل‌راه در دامنه‌های غربی و شمالی سبلان، تعداد ۳۳۲ محوطه از عصر آهن شناسایی و ثبت شد که از این مجموع، تعداد ۳۰۲ محوطه از نوع محوطه‌های گورستانی بدون ارتباط با محوطه‌های استقرار هستند؛ تعداد ۱۰ نمونه از این محوطه‌ها، از نوع استقرار هستند و تعداد ۲۰ محوطه جزء قلعه‌های مرکزی و اقماری هستند که تماماً در سطح

در یک سطح هموار ساخته شده است. وسعت این محوطه که در حدود ۲/۵ هکتار است، دارای یک ساختار سنگ‌چینی مدور بسیار بزرگی است که دارای محل یا دروازه ورودی و خروجی به داخل آن است. عرض این ساختار در حدود ۲ متر و قطر آن در حدود ۵۰ متر ساخته شده است. این ساختار متشکل از تخته‌سنگ‌های کوچک و بزرگی است که لابلای آنها با قطعات سنگی در ابعاد مختلف پر شده است. در داخل این فضای مدور چندین گور کوچک و بزرگ پشته‌سنگی است. این نوع گورها در حاشیه و در فضای بیرونی این ساختار نیز قابل مشاهده است. در دو سمت جنوبی و شرقی، دو بخش از این ساختار خالی و بدون سنگ‌چین است که به نظر می‌رسد محلی برای ورود و خروج و انجام اعمال تدفینی خاص بوده است.

در همین ایل‌راه شماره ۴ و با فاصله چند کیلومتری از محوطه گورستانی قبلی، یک گورستان دیگری به وسعت ۱۰۰ هکتار با چنین ویژگی‌هایی قابل مشاهده است. محوطه گورستانی مذکور در محل یکی از بیلاق‌ها واقع شده و قبور آن در محل بیلاق و در دامنه تپه‌های اطراف بیلاق پراکنده شده است. قبور محوطه از نوع گورهای پشته‌سنگی است که از ساختار درونی و فرم اتاق تدفین آنها و اینکه فضای چاله‌ای یا چهارچینه و یا دو چینه-سنگی دارند، اطلاعی در دست نیست؛ ارتفاع آنها بین ۱۰ تا ۴۵ سانتی‌متر و قطر آنها بین ۲ تا ۱۱ متر ساخته شده است. نکته جالب اینکه در سمت جنوبی محوطه، یک ساختار مدور سنگ‌چینی شده دیده می‌شود که تعداد زیادی گور کوچک را در خود احاطه کرده است. این ساختار یکی از بزرگترین ساختارهای مدور این حوزه

انسانی و حیوانی برای جابجایی سنگ‌های بزرگ برای پوشش سقف و دیواره‌های قبور ارتباط مستقیمی داشته است.

براساس نمودار شماره ۱، که وسعت محوطه‌ها را نشان می‌دهد، بیشترین محوطه‌ها از جمله محوطه‌های کوچکی هستند که وسعتی بین ۱ تا ۲ هکتار دارند. محوطه‌های ۲ تا ۴ هکتاری و همچنین محوطه‌هایی که کمتر از ۱ هکتار دارند در جایگاه بعدی قرار دارند. در محل برخی از بیلاق‌های معروف که در منتهی‌الیه مسیر ایل‌راه‌ها قرار دارند چند محوطه بسیار بزرگ قرار دارند که قبور آنها در یک محدوده وسیع پراکنده شده‌اند. در گورستان‌هایی که در محل بیلاق‌ها قرار دارند معمولاً کیفیت ساختاری معماری گورها نیز قابل توجه بوده است و تفاوت محسوسی بین این نوع محوطه‌ها و محوطه‌های پایین دست دامنه‌ها قابل مشاهده است.

همانگونه که عنوان گردید انواعی از گورهای باستان-شناختی در این حوزه از شمال‌غرب ایران و دامنه‌های بیلاقی سبلان بررسی و مطالعه گردید. برخی از این ساختارها با سایر ساختارهایی که در محوطه‌های عصر آهن ایران تا به حال مطالعه شده‌اند کاملاً قابل مقایسه هستند، ولی برخی دیگر ویژگی‌ها و شاخصه‌های جدیدی را نشان می‌دهند که در نوع خود، فرهنگ و آیین‌های تدفینی متفاوتی را به نمایش می‌گذارند. برخی از آنها با نمونه‌های مطالعه شده در نواحی قفقاز و همچنین نواحی جنوب سیرری قابل قیاس هستند.

یکی از جالب‌ترین محوطه‌های باستانی در انتهای ایل‌راه شماره ۳ و در محل یکی از بیلاق‌های ایلات شاهسون دیده می‌شود. این محوطه بر بالای یک تپه بلند طبیعی و

پژوهشی در محوطه‌های گورستانی عصر آهن.....

که بر روی هم انباشت شده‌اند و بواسطه سنگ فرش-هایی به کورگان‌های کوچک اطراف متصل شده است. ارتفاع کورگان‌های حاشیه‌ای در حدود ۱ تا ۱/۵ متر و قطر آنها بین ۲/۵ تا ۱۰ متر می‌باشد. در حاشیه شرقی محوطه، یک ساختار سنگ‌چینی بیضی شکل دیده می‌شود که طول آن به ۱۳۰ متر می‌رسد که قبور کوچک داخلی را احاطه نموده است. در این حوزه، چندین گورستان شاخص و متمایز در کنار هم قرار گرفته‌اند که نشان دهنده مقدس بودن این بخش برای انجام تدفین بوده است.

نمونه‌ی دیگر از این نوع کورگان‌های شاخص در منتهی الیه ایل‌راه شماره ۲ و در محل ییلاق بسیار مهمی به نام حیدر یوردو، واقع شده است. ساختار این نوع کورگان‌ها که تعدادشان هم زیاد است جالب توجه و در نوع خود در کل این حوزه منحصر به فرد است. وسعت محوطه در حدود ۱/۵ هکتار است و قبور آن به صورت متمرکز و به هم پیوسته ساخته شده است. تمامی کورگان‌ها با یک سنگ فرش سنگ‌چینی عریض به هم متصل هستند. سطح کورگان‌ها با استفاده از لاشه و قلوه‌سنگ صخره‌ای به صورت یک پشته عظیم انباشت شده است. بر اثر حفاری‌های غیرمجاز در یک نمونه از آنها، عمق این انباشت‌ها تا ۳ متر نیز قابل رؤیت است. ارتفاع بزرگترین کورگان به ۲/۵ متر نیز می‌رسد؛ قطر پشته‌ی آن تا ۲۵ متر نیز گسترش یافته است.

نزدیک به قله سبلان، در داخل یک دره سرسبز وسیع در منتهی الیه ایل‌راه شماره ۴ و در کنار رودخانه‌ای که از وسط ییلاق واقع در داخل این دره می‌گذرد، یکی از کورگان‌های شاخص و مرتفع این حوزه ساخته شده

به شمار می‌رود. عرض ساختار در حدود ۱/۵ تا ۲ متر و قطر آن به ۱۰۰ متر می‌رسد. گورهای کوچک در تمام فضای داخلی این ساختار پراکنده شده است. بر اثر کندوکاوهای غیرمجاز عشایر، برخی از آنها به صورت سطحی تخریب شده و آثار سفال‌های عصر آهن در اطراف آنها پراکنده شده است.

ساختار مدور دیگری در سمت شمالی محوطه به قطر ۷۰ متر وجود دارد. ساختار تمامی قبور این بخش نیز شبیه به هم بوده و از نوع گورهای پشته‌سنگی است. در برخی موارد که از نمونه‌های نادر این حوزه به شمار می‌آید، بستر صخره‌ای محوطه کنده و برش داده شده و اتاقکی به شکل مدور یا مستطیل ایجاد کرده‌اند. بعد از انجام عمل تدفین، سطح بالایی گور با انباشتی از قلوه-سنگ و لاشه‌سنگ به صورت پشته در آمده و این پشته در داخل یک سنگ‌چین مدور محصور شده است.

در یکی از محوطه‌های گورستانی ایل‌راه شماره ۴، به لحاظ ساختار معماری، کورگان‌های متمایز و متفاوتی نسبت به سایر گورستان‌ها دیده می‌شود. وسعت محوطه در حدود ۳ هکتار است و در آن کورگان‌های تمام سنگی مرتفعی ساخته شده است که یکی از جالب‌ترین نمونه‌ها و شاید شاخص‌ترین گورهای این حوزه و تمام حوزه دشت مشگین‌شهر و دامنه‌های سبلان باشد. نمونه مشابه این نوع ساختارها با ارتفاع بسیار زیاد در نواحی آلتای در جنوب سیبری شناسایی شده است. گورستان بر سطح یک بستر صخره‌ای است و برخی از قبور با برش صخره‌ها ایجاد شده‌اند. بزرگترین گور این مجموعه ارتفاعی در حدود ۲/۵ متر و قطری در حدود ۳۰ متر دارد و متشکل از پشته‌سنگی و پشته کلان‌سنگی است

عمل تدفین، درب ورودی آنها پر شده و براساس اعتقادات و آیین‌های تدفینی، ساختاری مدور بر سطح گور ایجاد شده است. نمونه‌های مشابه ییبه این ساختارهای تدفینی در اغلب بخش‌های دامنه‌های سبلان و در جاهایی که محوطه دارای یک بستر صخره‌ای است قابل مشاهده است.

نتیجه‌گیری

دامنه‌های سبلان یکی از مناطق مستعد در حوزه‌ی شرقی شمال‌غرب ایران است که از پیش از تاریخ تاکنون پذیرای جوامعی بوده که در پی مراتع وسیع برای احشام خویش بوده‌اند. براساس نتایج بررسی میدانی دامنه‌های سبلان و شناسایی محوطه‌های گورستانی بسیار زیادی که در محل ییلاق‌های امروزی قرار داشتند به نظر می‌رسد که این ناحیه‌ی بسیار وسیع در عصر آهن اقوام کوچروی متعددی را در خود جای داده است. نبود هیچ محوطه‌ی استقرار مسکونی و یا قلعه‌ای در هیچ بخشی از این ناحیه از عصر آهن بیانگر این موضوع است که این بخش وسیع به دلیل شرایط و ویژگی‌های خاص آب و هوایی خود، صرفاً محل ییلاق‌های فصلی اقوام کوچرو بوده و شرایط موجود در آن دوره اجازه‌ی سکونت و یکجانشینی فصلی یا دائمی را به جوامع نمی‌داده است. بر خلاف امروز که در برخی از ارتفاعات با وجود شرایط بسیار بد آب و هوایی از اواخر پاییز تا اوایل بهار، چند آبادی استقرار یافته است.

نتایجی که از بررسی میدانی بدست آمد نشان داد که به لحاظ وسعت و کیفیت ساختارهای تدفینی، بهترین محوطه‌ها در محل ییلاق‌های امروزی ایلات شاهسون

است. کورگان مذکور شامل پشته‌ای بلند به ارتفاع ۴ متر است که با استفاده از خاک و سنگ انباشت شده است. قطر این پشته در حدود ۳۵ متر است. بخشی از کورگان تا سطح زمین توسط ماشین آلات مکانیکی کاملاً برداشته شده و ساختار و لایه‌بندی کورگان کاملاً نمایان شده است. لایه‌بندی کورگان شامل لایه‌های خاکی و سنگی است که در برخی موارد از خاک کوبیده و آب خورده نیز بهره گرفته شده است. با وجود تخریب آن، ولی اتاق اصلی تدفین در چند متری اعماق زمین پنهان مانده است. به لحاظ ارتفاع این کورگان، نمونه‌ی قابل قیاسی برای آن در کل این حوزه قابل بیان نیست.

نمونه‌ی جالب توجه دیگری از گورهای عصر آهن در محل یکی از ییلاق‌های ایل‌راه شماره ۶ شناسایی شد. محوطه گورستانی به وسعت ۵ هکتار بر بالای یک تپه بلند طبیعی و در سمت غربی روستای موپیل و کاملاً مشرف بر دره‌ی آب گرم موپیل قرار گرفته است. اختلاف ارتفاع این تپه از دره‌ای که در سمت شرقی آن قرار دارد در حدود ۱۵۰ متر است. قبور محوطه از نوع پشته‌سنگی، تخته‌سنگی و کلان‌سنگی است. سنگ‌چین مدور در تمامی گورها با قطری بین ۲/۵ تا ۱۵ متر دیده می‌شود. ارتفاع برخی از پشته‌های سنگی و کلان‌سنگی تا ۳ متر نیز می‌رسد. دور تا دور این تخته‌سنگ‌ها را با یک ساختار مدور تخته‌سنگی احاطه کرده‌اند که قطر بزرگترین آنها به بیش از ۲۰ متر نیز می‌رسد. هیچ اطلاعی از ساختار اتاق تدفین این نوع گورها در دست نیست ولی با توجه به ساختار آنها و بستر صخره‌ای محوطه، به احتمال بسیار زیاد، اتاق گورها در داخل صخره‌ها در ابعاد مورد نیاز کنده شده و بعد از انجام

پژوهشی در محوطه‌های گورستانی عصر آهن.....

که در پژوهش حاضر مورد بررسی و مطالعه میدانی قرار گرفتند نیز از امر مستثنی نیستند. با نگاهی به نقشه کلی تمام مسیرها و نحوه پراکنش محوطه‌های عصر آهنی، قرارگیری این محوطه‌ها در مسیر این ایل‌راه‌ها کاملاً مشهود است. همانگونه که مشاهده می‌شود، هر چه از مسیرها به سمت طرفین پیشروی می‌شود از تعداد محوطه‌ها کاسته می‌شود. این نحوه پراکنش محوطه‌ها، در یک خط طولی بودن محوطه‌ها را نمایان می‌سازد و این خط طولی همان مسیر ایل‌راه‌های امروزی و باستانی است. بررسی ایل‌راه‌های این حوزه حاوی نکات دیگری است. در تمامی مسیرها تا حد امکان از حرکت در داخل دره‌ها و کنار پرتگاه‌ها و دامنه‌های پر شیب اجتناب شده است. تنها در مواردی که برای استراحت احشام و سیراب نمودن آنها، باید وارد بستر رودخانه‌ها می‌شدند از حرکت طولی در مسیر و در داخل بستر رودخانه‌ها خودداری شده است و ورود به داخل بستر رودخانه صرفاً به صورت عمودی و برای گذر از آنها صورت گرفته است. در تمامی مسیرها، تا رسیدن به دامنه‌های کم شیب و پر شیب سبلان، پیوسته حرکت در سطح دشت و مناطقی که دید کاملی به محیط اطراف داشته صورت پذیرفته است. به نظر می‌رسد این امر برای دفع خطرات احتمالی طبیعی، حیوانی و انسانی انجام می‌گرفته است.

بررسی محل ییلاق‌های امروزی اقوام شاهسون در مرتفع‌ترین بخش‌های دامنه‌های سبلان که به دلیل پوشش برف آنها، هر ساله نسبت به سایر ییلاق‌ها دیرتر مورد اسکان موقت قرار می‌گیرند نشانگر وجود گورستان‌های عصر آهنی است که بیانگر استفاده از تمام

قرار داشتند. این موضوع بیانگر این نکته است که مکان‌هایی که امروزه به عنوان محل ییلاق انتخاب شده‌اند بهترین مکان‌ها برای اسکان موقت ییلاقی هستند و به احتمال بسیار زیاد، این مکان‌ها در عصر آهن نیز مورد استفاده قرار گرفته‌اند. بسیاری از گورستان‌های عصر آهن دقیقاً در محل چادرهای امروزی ایلات شاهسون و برخی در حد فاصل بین محل ییلاق‌ها قرار دارند. تقریباً در این ناحیه محوطه‌ای نیست که در نزدیکی آن محل ییلاقی وجود نداشته باشد.

نکته قابل بحث دیگری که از نتایج بررسی میدانی ایل‌راه‌های امروزی شاهسون بدست آمد، تطابق نسبی ایل‌راه‌های امروزی با نحوه پراکنش محوطه‌های عصر آهنی است؛ محوطه‌های عصر آهنی به گونه‌ای قرار گرفته‌اند که نسبت به ایل‌راه‌های ایلات شاهسون در یک خط‌الرأس طولی قرار گرفته‌اند. به نظر می‌رسد که مسیرهای کوچ و جابجایی‌های قومی و قبیله‌ای که در عصر آهن اتفاق افتاده و اقوام از آنها برای دسترسی به ییلاق‌های دامنه‌های سبلان استفاده کرده‌اند از این ایل‌راه‌های امروزی یا نزدیک به این مسیرها عبور می‌کرده‌اند؛ مسیرهایی که مطمئناً نسبت به عوامل و عارضه‌های طبیعی شکل گرفته‌اند و وضعیت ویژه‌ی خود را تا به امروز حفظ کرده‌اند.

بی‌شک، تثبیت یک ایل‌راه به عنوان مسیری سهل‌الوصول برای کوچ در طی چندین سده و هزاره صورت پذیرفته است. مسیرهایی که دائماً از آنها رفت و آمد می‌شده و براساس تجربه، کیفیت آنها در مدت زمان طولانی مورد آزمایش قرار گرفته و مناسب‌ترین آنها به لحاظ امنیت جانی و مالی انتخاب شده‌اند. ایل‌راه‌هایی

جدید چادرهای خود را برپا می نمودند. برطبق اطلاعاتی که امروزه از اقوام شاهسون گرفته شد بسیاری از آنها در طی فصول ییلاقی بیش از یک یا دو بار کوچ می کنند؛ ابتدا در دامنه های پایین دست سبلان جای می گیرند و سپس به سمت ییلاق های مرتفع تر کوچ می کنند.

به طور کلی موارد زیر از پژوهش حاضر قابل دریافت است:

- ایل راه های امروزی با پراکنش محوطه های عصر آهن در یک خط قرار دارند؛

- اغلب محوطه های عصر آهن قرار گرفته در مسیر و محل ییلاق های دامنه های سبلان از نوع گورستان است.

- محوطه های قرار گرفته در محل ییلاق ها و در حدفاصل آنها وسعت بیشتری دارند.

- بسیاری از مسیرها به هم متصل هستند و امکان تغییر مسیر در تمامی آنها به راحتی قابل انجام بوده است.

- به سمت دامنه هایی با ارتفاع بیشتر به طور چشمگیری از تعداد محوطه های باستانی کاسته شده است.

- چه در طول مسیر و چه در محل ییلاق ها، تراکم محوطه ها در نزدیکی و محل منابع آبی بسیار بیشتر است.

- در محل ییلاق ها، گورستان های متمرکز یعنی تجمع قبور زیاد در یک وسعت کم به ندرت دیده می شود و بسیاری از گورستان با وجود وسعت زیاد تراکم قبور کمی دارند. گورها با فاصله در محل ییلاق ها و حدفاصل آنها پراکنده اند.

منابع

ظرفیت مراتع ییلاقی سبلان در عصر آهن بوده است. با توجه به وجود گورستان های عصر آهنی در جای جای این دامنه ها، به نظر می رسد در جایی که محل همواری برای برپایی چادر وجود داشته و یا امکان صعود به نواحی مرتفع تر و امکان اسکان موقت در آنجا وجود داشته است جوامع کوچرو از آنجا استفاده می کردند. از سویی دیگر، بعد از اسکان عشایر در یک محیط مناسب که در آنجا امکان دسترسی آسان به منابع آبی نیز فراهم بود، احشام متعلق به هر قوم یا قبیله برای استفاده از مراتع بهتر می توانستند کیلومترها از مراکز اسکان چادرها دور شوند و هر روز این مسیر را برگردند، بنابراین در مواقع بسیاری محل چادرها در نواحی کم ارتفاع، پست و هموار قرار داشته است ولی دامنه نفوذ آنها بسیار فراتر از محل اسکان بود است.

همانگونه که نتایج بررسی میدانی نشان می دهد، علاوه بر وجود محوطه های عصر آهنی در محل دامنه ها و ییلاق ها، در طول مسیر ایل و در سطح هموار دشت مشگین شهر نیز محوطه های بسیاری قرار دارد که بیشترشان از نوع گورستان های بدون ارتباط با محوطه های استقرار است که بی شک بیانگر اسکان موقت اقوام کوچرو در این مکان ها نیز بوده است. به نظر می رسد در عصر آهن این مکان ها در فصول ییلاقی سال نسبت به سایر نواحی که موقعیت مرتفع تری داشتند و دیرتر برف آنها آب می شد مورد اسکان و استفاده قرار می گرفتند و بعد از اینکه بهره برداری کافی از مراتع انجام می شد و احشام در مضیقه قرار می گرفتند محل اسکان موقت و چادرها عوض می شد و اقوام کوچرو به مکان های بهتر و مرتفع تر صعود می کردند و در مکان های

پژوهشی در محوطه‌های گورستانی عصر آهن.....

ایل‌راه‌های غرب زاگرس مرکزی»، جامعه‌شناسی تاریخی، دوره ۶، شماره ۲، صص: ۱۹۴-۱۶۳.

- عسکرپور، وحید، تیرانداز لاله‌زاری، آرش و آجورلو، بهرام، (۱۳۹۵)، «درآمدی بر قوم‌باستان‌شناسی کوچ‌روان قره‌راغ مرکزی آذربایجان»، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، دوره ۶، شماره ۱، صص: ۱۱۸-۱۰۱.

- علیزاده، عباس، (۱۳۸۷)، شکل‌گیری حکومت عشایری و کوهستانی عیلام باستان، چهارم‌حال بختیاری، اداره کل میراث فرهنگی استان چهارم‌حال بختیاری.

- ورجاوند، پرویز، (۱۳۴۴)، روش بررسی و شناخت کلی ایلات و عشایر، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.

- هژبری‌نوبری، علیرضا، (۱۳۸۳)، گزارش مقدماتی سومین فصل کاوش محوطه شهری، پژوهش‌کده باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، تهران.

- Abdi, K. Et al. 2003. TuweKhosshkeh: A middle Chalcolithic Mobaile Pastoralist Camp-Site in the Islamabad Plain, West Central Zagros Mountains, Iran, pp: 43-74.

- Adams, R. Mc. 1974. The Mesopotamian Social Landscape: A View from the Frontier" in C. Morre (Ed.). Reconstruction Complex Societies Supplement to the Bulletin of American Schools of Oriental Research, No. 20. pp: 1-11.

- Amanolahi-Baharvand, S. 1975. The Baharvand, former pastoralists of Iran, Doctoral dissertation, Rice University.

- Barth, F. 1961. Nomads of south Persia, Universitetets Etnografiske Museum Bulletin, No. 8. Oslo.

- Bates, D.G. & Lees, S.H. 1977. The Role of Exchange in Productive Specialization, American Anthropologist, No. 79, pp: 824- 841.

- آیرملو، یحیی، (۱۳۹۷)، تجزیه و تحلیل فضایی - آماری الگوهای استقرار محوطه‌های پیش از تاریخی حوضه رود مشگین‌چای براساس بررسی باستان‌شناختی، رساله دکتری باستان‌شناسی، رضا رضالو، اردبیل، دانشگاه محقق اردبیلی، دانشکده علوم انسانی.

- امان‌اللهی بهاروند، سکندر، (۱۳۷۸)، کوچ‌نشینی در ایران، پژوهش درباره ایلات و عشایر، تهران، آگاه.

- پورفرج، اکبر، (۱۳۸۶)، بازنگری عصر آهن شمال-غرب ایران: مطالعه موردی محوطه شهری اردبیل و قلاع اقماری، رساله دوره دکتری باستان‌شناسی، علیرضا نوبری، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.

- حاجی‌زاده، کریم، (۱۳۹۳)، گزارش نهایی اولین فصل کاوش در گورستان قیزیل‌قیه مشگین‌شهر، پژوهش‌کده باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، تهران.

- رضالو، رضا، (۱۳۹۱)، گزارش نهایی اولین فصل کاوش گورستان خرم‌آباد مشگین‌شهر، پژوهش‌کده باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، تهران.

- رضالو، رضا و آیرملو، یحیی، (۱۳۹۳)، «فرهنگ عصر مفرغ جدید و آهن I دشت اردبیل: مطالعه موردی قلعه خسرو و قلاع اقماری»، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، دوره ۴، شماره ۶، صص: ۸۴-۶۵.

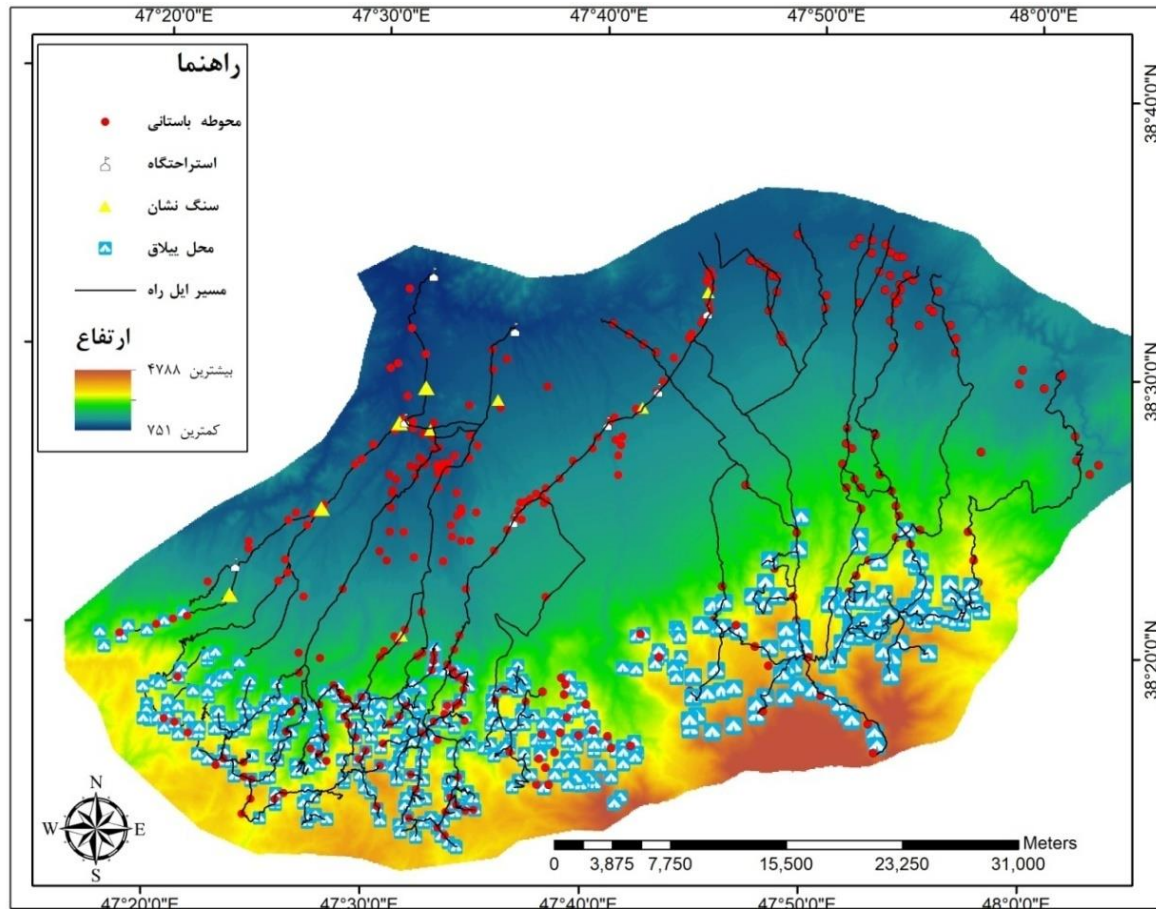
- صباچی، طاهر، (۱۳۹۷)، شاهسون (مروری بر دستبافته‌های عشایر شاهسون)، تهران، ویژه.

- طلایی، حسن، نوراللهی، علی و فیروزمندی شیره-جین، بهمن، (۱۳۹۳)، «قوم باستان‌شناسی کوچ‌نشینی و

- Tapper, R. 1966. Black Sheep, White Sheep and Red-Heads: A Historical Sketch of the Shāhsavan of Āzarbāijān, Iran, No. 25, pp: 61-84.
- Tapper, R. 1974. Shāhsevan in afaid Persia, Bulletin of the School of Oriental and African Studies, Vol. 37(02), pp: 321-354.
- Tapper, R. 1979. Pasture and Politics: Economics, Conflict, and Ritual Among Shahsevan Nomads of Northwestern Iran, University of Michigan: Academic Press.
- Tapper, R. 1988. History and identity among the Shahsevan, Iranian Studies, Vol. 21(3-4), pp: 84-108.
- Tapper, R. 1997. Frontier Nomads of Iran: A Political and Social History of the Shahsevan, Cambridge: Cambridge University Press.
- Watson, P. J. 1979. Archaeological ethnography in western Iran. Tucson: University of Arizona press.
- Zagarell, A. 1982. The pre History of North East Baxtiari in Iran: The Rise of a Highland Way of Life, Tubinger Atlas Des Vorderen Orients.
- Zagarell, A. 1975. Nomad and settled in the Bakhtiari mountains, Sociologus, No. 25, pp: 127-38.
- Beck, L. 1978. Women among Qashqai nomadic pastoralists in Iran, Harvard University Press.
- Black-Michaud, J., 1974, An ethnographic and ecological survey of Luristan, Western Persia: modernization in a nomadic pastoral society". Middle Eastern Studies, No. 10(2), pp: 210-228.
- Burney, C.A. 1979. Meshkin Shar Survey, Iran, No. 8 (2), pp: 1-71.
- Digard, J. P. 1973. Histoire et anthropologie des sociétés nomades: le cas d'un tribu d'Iran, Annales. Histoire, Sciences Sociales, Vol. 28, No. 6, pp: 121-140.
- Feilberg, C.G. 1952. Les papis, Nationalmuseetsskrifter, etnografiskraekke, vol. IV. Nordisk Forlag.
- Hole, F. 1978. Pastoral Nomadism in Western Iran, in Richard A. Gould (Ed.). Explorations in Ethno Archaeology, pp: 127-167, Albuquerque: University of New Mexico Press.
- Kramer, C. 1982. Village ethnoarchaeology; rural Iran in archaeological perspective. Academic Press.
- Maruchek, J. T. 1976. A Survey of Seasonal Occupation Sites in North-ern Baluchistan, Proceedings of the IV the Annual Symposium on Archaeological Research in Iran, Tehran.
- Mortensen, I.D. 1993. Nomads of Luristan, History, Material Culture, and Pastoralism in Western Iran, London: Thames and Hudson.
- Pullar, J. 1990. Tepe Abdul Hosein a Neolithic Site in Western Iran, BAR International, Series 563, pp: 142-160.

تصویر ۱- حوزه مورد مطالعه و ۱۵ ایل راه ایلات شاهسون

در دامنه‌های غربی و شمالی سبلان



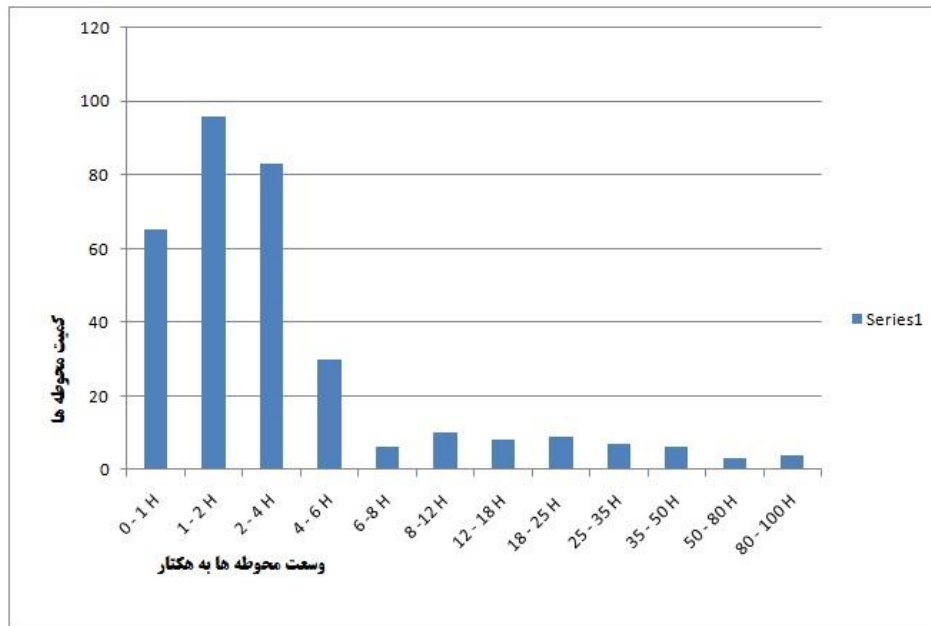
تصویر ۲- محوطه‌های قرار گرفته در طول ۱۵ ایل راه و محل بیلاق‌های دامنه‌های شمالی و غربی سبلان

جدول ۱- تعداد و نوع محوطه‌های عصر آهنی دامنه‌های شمالی و غربی سبلان

ایل راه	گورستان*	تعداد محوطه‌های گورستانی با نوع گورهای:					
		چاله‌ای	کلان‌سنگی	چهارچینه سنگی	کورگانی	پشته سنگی و خاکی	تومولوس
۱	۳۰	۱	۰	۹	۱۱	۶	۵
۲	۳۷	۲	۱	۹	۱۳	۷	۸
۳	۴۷	۱	۴	۱۶	۷	۲۷	۹
۴	۶۲	۶	۵	۸	۱۸	۲۶	۱۴
۵	۵	۱	۰	۱	۰	۵	۰
۶	۱۹	۰	۲	۲	۰	۱۸	۰
۷	۱۰	۲	۱	۱	۰	۹	۱

۸	۱۴	۱	۰	۴	۲	۱۰	۳
۹	۳	۰	۰	۰	۱	۲	۱
۱۰	۲۰	۱	۱	۹	۳	۱۵	۳
۱۱	۷	۱	۰	۵	۱	۵	۵
۱۲	۱۷	۰	۰	۵	۰	۱۰	۴
۱۳	۱۴	۰	۰	۴	۱	۹	۵
۱۴	۳	۰	۰	۴	۱	۹	۵
۱۵	۱۴	۰	۰	۲	۳	۱۲	۰
جمع	۳۰۲	۱۵	۱۴	۷۹	۶۱	۱۷۰	۶۳

* برخی از گورستان‌ها بیش از یک یا دو نوع گور دارند.



نمودار ۱- وسعت محوطه‌های قرار گرفته در طول ۱۵ ایل‌راه در دامنه‌های غربی و شمالی



تصویر ۳- ساختار مدور سنگ‌چینی شده در محل یکی از بیلاق‌های ایل‌راه شماره ۴



تصویر ۴- ساختار مدور سنگ‌چینی شده در محل یکی از بیلاق‌های ایل‌راه شماره ۴



تصویر ۵- ساختار یک کورگان در محل یکی از بیلاق‌های ایل‌راه شماره ۴



تصویر ۶- ساختار یک کورگان در محل یکی از بیلاق‌های ایل‌راه شماره ۲



تصویر ۷- ساختار یک کورگان در محل یکی از ییلاق‌های ایل‌راه شماره ۴



تصویر ۸- ساختار یک گور پشته‌سنگی و کلان‌سنگی در محل یکی از ییلاق‌های ایل‌راه شماره ۶